

پیشکام نامہ آسان و مفید
سال جامع علوم آسانی

اسناد تاریخی

- اسناد آلفونس نیگلا/دکتر ہما ناطق
- اتحاد ملی و شہر آشوب/سید فرید قاسمی

آلفونس نیکلا Alphons Nicolas در ۱۸۸۴ میلادی در رشت زاده شد. تحصیلات خود را در پاریس در مدرسه السنه شرقی پایان برد و، به ایران بازگشت. در ایران سال‌ها مترجم سفارت فرانسه در تهران بود. در آغاز مشروطیت، در ۲۱ فوریه ۱۹۰۶ به مقام سرقونسول منصوب شد. تا ۱۹۱۳ در این شهر ماند، سپس قونسول فرانسه در تفلیس، و در انقلاب روسیه قونسول در اودسا شد. مدتی به زندان بلشویک‌ها افتاد. در ۱۹۳۷ او را در فرانسه باز می‌یابیم. در ۱۹۳۹ در پاریس درگذشت.

مجموعه اسناد نیکلا متعلق‌اند به انستیتوی مطالعات ایرانی دانشگاه سوربن در پاریس و ۴ سال و اندی پیش آقای شارل هانری فوشکور که در آن سال ریاست این انستیتو را بر عهده داشتند این مجموعه را برای تنظیم و انتشار در اختیار من نهادند. همراه با سپاسگزاری از ایشان و از انستیتوی ایران‌شناسی، در این جا عکس‌های چند برگ از این اسناد را به دست می‌دهم. در حاشیه باید بگویم که نیکلا در طی اقامت در تبریز بسیاری از نوشته‌های نویسندگان جنبش مشروطه را به فرانسه برگرداند. از آن میان: هشت بهشت و سه مکتوب میرزا آقاخان (که اینجا عکس روی جلد هر دو ترجمه را به دست می‌دهم)، مسالک‌المحسنین احمد طالبوف، سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک (حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای).

صفحه اول ترجمه آلفونس نیکلا از سه مکتوب میرزا آقاخان کرمانی.

Copie de trois lettres
etrites par le Prince Kemal ed Dauli
en reponse a M. le Comte Dauli

Au moment d'ouvrir ces lettres, tradites et
comparées au certain nombre de mots français
de son dictionnaire des termes, dont la
traduction en persan est généralement de difficile culture
(et pourquoy d'ordinaire de ces mots &
les rapprocher en lettres estant qu'on
de cette sorte il a semblé nécessaire, que tout
de l'ordre il donne l'application de ces mots
puis, qui écrit le lecteur soit en courant
de leur valeur la premiere de ces mots et
elles de "Despote" est un mot servant à
designer un Padichal qui dans sa condition
n'est point d'aucune sorte, mais y a-t-il des
et qui au point de vue de la loi de la vie
de des yeux sans limite et sans aucune considération
ce tient en sa possession. Comme l'homme
Despote. Et ainsi son propre avis et sa fantaisie
il agit. Les hommes ont dans sa fantaisie d'un
sont possesseurs de rien, par exemple. Ces gens jusqu'à
vivre ils sont comme de miserables esclaves achetés
ils sont privés de tout et d'humanité. Et les
limites y prescrites
Le Despote de ces mots est
Calibration

Certain mot qui fait et l'usage a été l'usage de

Muzayyia Khan

Hecht Bédicht

• des huit Paradis

Traduction

A. d. M. Nicolai

Comité Central de France

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۲۸۲

حکایت هفتاد و دو ملت همه را عذر نهند

چون ندانند خصیقت ره افسان نزنند

حکایت فقوه خان در شهر صورت بود که پس از ظهر بسیاری از
عربان
الحاج جمع می شدند یکی از دانشوران ایران روزی اینجا آمد که همه
عمرش در علم کلام و اصول عمقاید و صحبت در بابت و بحث مذ
صرف شده بود و از کارش بالحد و ضلالت کشید هیچ چیز
اعتقاد نداشت و همه چیز را افسانه و دروغ می پند و باز بچیه
می پنداشت که هر صیقلیت خدای مردم را نیا فریده بلکه این مردم
خدای فریده اند باز گفتی خدا کیست چینیست از کجای آید
افزید کارش کیست اگر جسم بود مرفی بود اگر جوهر و عاقل
بود روانی داشت که بد بخندان و عاجزان در روی زمین با
منم پس از این همه کوششها که در راه او کردم و برهنگان و بینا
مردم ریخ مردم بواسطه الهام بزنده صفا چار نمیشد از اسبها
بگریزم و در ملک هند آواره و سرگردان باستم پس هر آنکه خدای
نیست هم چنین از حکیم گواه از حوصی خود در بیروی سفسطه
و دلیل تراشی نخستین سلب استیارا انکار صمود در اینک
که بر روی زمینکی خوانیده و جایی از کونکار میموره این سخن
بیموده همیسرود رنگی به بندگی راست که سر ایالتی برهنه
و بود در فقوه خان بر سر سنگی در افتاب نشسته مشغول ماندن

مکمله



از طهران

رئیس محترم تکر افغانه بامجده امروز که روز اول سال دوم تأسیس مجلس شورای ملی است باکمال شرافت و شرف وجود هئیت رجال لشکری و کشوری و تکر افغانه آمده و توسط شما محکومت جنبه و کارکنان دولتی و اولیای ملت و عامه برادران وطنی خودمان اشعار می نماید که چون از مدتی باین طرف نامی بلاد و مرز و ولایات و طرق و شوارع و وقایع سرحد را مردم حل بدم اتفاق هئیت دولت و اولیای ملت نموده و اذهان عوام از ان بابت خالی از سو فلفل نبود و حال آنکه ذات مقدس ملوکانه ارواحفاده از اول این اساسی لازمه توجه و مساعدت را در پیش رفت این عطیه ملوکانه دریغ نکرده اند مهادفح این سؤ ظن رای آسایش خیال عامه که بنای تمام امنیت و آرامش عباد واجب بود حسب اجازه عطیه ملوکانه ارواحفاده تمام وجود رجال دولت از کشوری و لشکری باکامه واحده بمجلس محترم شورای ملی رقیب و بلیک میر و استقلال محت آیز نهاد و مودت هئیت رجال دولت را بذرفقه نقضهای خلی مشفقانه از طرفین خوانده شد و تریبها و نهیتها بسمل آمد اتفاق نام و تمام و اتحاد کامل مابین هئیت دولت و ولای ملت حاصل و در حقیقت برای طرفین این روز اول سال دوم عیدی شمرده شد و حال بقوه قلب هئیت رجال کشوری و لشکری دولت باوزراه مسؤل اتفاق مجلس محترم شورای ملی مشغول کار شدیم و امیسواریم که بخواست خداوند و برکت امام عصر عجل العفرجه و بوجهات همایون شاهنشاهی ارواحفاده و اتفاق کلیه دولت و ملت عنقریب تمام اصلاحات مملکت حاصل و اسباب شرف و سعادت کامل برای عامه ملت صورت پذیر شود در این صورت باید حکام والا مقام و کارکنان دیوانی آنچه باینجهن های ایاتی و ولایاتی که بر طبق نظامنامه تأسیس شده باشند اتفاق نموده و دقیقه از دقائق آسایش رعیت و امنیت بلاد و طرق و شوارع و المرفوکنار نمایند و سرشما بدانند که هیچ قصوری من بعد از هیچ کس پذیرفته نشد و هر کس در وظایف دولت و ملت خواهی اندک خودداری بکند بدانید که گرفتار مسولیت فوق العاده خواهد بود که ملامت جز بر شخص خودش نخواهد آمد ان تا کثرت را بمطالع حکومت جنبه برده المانع نموده و نتیجه را تکلیف نمایند وزیر مخصوص (آصف الدوله) (امیر بهادر) (وزیر دربار) (موقد الدوله) (اقبال الدوله) (علا الدوله) (وزیر همایون) (محشم السلطنه) (سپهبدار) (معین الدوله) (امیر اعظم) (امیر نظام) (نظام المملکت) (وزیر نظام) (سردار کل) (حاج امین الدوله) (سردار منصور) (وزیر نشریات) (ناظم السلطنه) (سیف الدوله) (سردار فیروز) (نصر الملت) و سایر رجال دولت

● بشارت بر عموم ملت از طهران (اتفاق رجال دولت)

عبدالله بن محمد
بن محمد بن محمد
بن محمد بن محمد
بن محمد بن محمد
بن محمد بن محمد

ست خدای که آنچه ما از نظر و اشتیاق از وجود آن تعالی از خود فصل آمد و با انجام آن تصور و محبت نفعیات الهیه و تقسیم ربی و مبارک بودی که در روز شنبه

جهدی که رشته ای از نور و تنی و مکتبی ابرم مربوط و متصل میدرد و اولین این است و وقت استین و محکم می سازد بعدی که منظر ظاهر عاصیه و اجابت الی مکتب

کتابان حال داد و شخصان این است و در خط و ادب که ذات واجب الوجود و کف کفایت سپرد و امروز در وقت که برود و آید و این است وقت استین و شنبه و شنبه است

بر شانزه محکم گذارد و شود و امروز روزی است که تین الیوم شنبه محترم است و در زاری و خواهش است و این است و عباد و عموم عبادی این محکم است

و در تب و تخفیم و از روی و جسمی اصلاحات لازم نمیدهد و حساب الی لازم نیست و غایت قاطبه الی وطن با کوشش و بیخ منظر الی است و شنبه و شنبه است

امالی و مکتب البته میدید که نیست ماس که حطبات شخصی و عمل شود و با عرض منافی فایده کرد و حالا بر شتاب کان است که مخالف و مخالف است

وقت است انجام در بند بدی است که یک کلام از شما است بهترین شتاب نمیدهد که بر وسط تفوق و جهانی که از جهت اخلاق و سلووات غلب مردم است

باعث همیسان و تفاوت است و جواز این در یک با کمال ایش پیش و پیش منی این داده و منسپ منم خواهی بود و مخالف در با کمال صدق است

ولی بود این پنج تا علیانی در مثل شنبه از رخ و دوست داریم و نیک و بد آنها را نیک است بخوانید و بیایدیم و در خوشنوی و مسرت و عزم الی است

خاطر ما را این که منصرف داریم که ما را در شتاب و حال هر کدام از شما تا خطایه بخورد و آن در بیس ولی از امروز شامل حال هزاران نفوس است که شما را از آنها که



از (باغ) « تبریز »

عمل مهر مهر آثار اعلیحضرت محمد علی شاه قاجار خلد الله ملكه

(سواد دستخط جهانمطاع اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداء)

از روزیکه باقتضای اراده خداوند تمسک ولایت عهد دولت ابد آیت ایران مخصوص وجود مسعود همیون گردید پیوسته مشهود حضور عاطفت ظهور شاهانه بود که رفع مفساد و معایب رفع برشانی و زمام موجوده این مملکت بشه هزار ساله را که بجزله نماند سکوی و وطن عزیز ما است جز به نیروی امتزاج قوای ملیه باقوای دولتی و سلطنتی چاره به و بغیر از مساوت و چاره جوئی عموم اهل این خاک باک در برستاری و خدمت باین مادر مهربان ندیبری بست هانا شب و روز در این مشروع مقصد بی گریبان بوده اندیشه ها دگر و خیالات در نظر داشتیم تا آنکه خود ملت غیرت مند ایران و فرزندان عزیز ما بایات ممنونه ما مساعدت نموده و از پیشگاه مبارک شاهنشاه مرحوم مبرور البسه الله تعالی من حلال النور استعدای سلطنت مشروطه نموده و وسیله بروز مقاصد مکنون ما به بدر تاجدارمان گردیدند تکرافات و عراضی کتبه ما به پیشگاه شاهنشاه مرحوم در تکرار خواه و غیره حاضر و بیان هم دردی ما با ملت خودمان بخوبی آشکار مینماید و بعد از اعطای مشروطیت که بطهران آمدیم در امضای قانون اساسی چه زحماتی برده و چه زحمات متحمل شدیم تا آنرا باامضای مقدس شاهنشاه دل آگاه رسانیدیم و همین که نوبت تاجداری و سلطنت مخصوص شخص خودمان شد دقیقه از دقائق پیشرفت امور مشروطیت را فروگذار نموده و تمام قوای را صرف عظمت مجلس شورای ملی داشتیم ولی درازدستی مفرضین و لسان مفسدین در این اواخر بطوری که همه کار آگاهان می دانست بکلی خاطر ما را مکندر ساخته و تاحدی مأیوس داشت آن اوضاع ناگوار مجلس را تا می گرفتار به ساری گوناگون ایران ندیده و عینی این آب و خاک ندانستیم چندی موافق قانون عموم دول مجلس را تویف داشته و در نوزدهم شهر شوال که خوانستیم افتتاح فرمانم باده موافق موجود شد که همه غفلا تصویب نمی نمودند که اگر در این موقع شروع بانقاد پارلمان میشد نتیجه جز سفاک دماغ و اتلاف نفوس نمی میشد این بود که چندی به تدابیر عملیه از موافق را بر مرقع داشته امروز که موقع را مقتضی و مانع را مقنود دیده با نهایت اشتیاق و میل قلبی بموجب صدور این دستخط مبارک موافق قانون اساسی همون ذره کسر و نقصان امر بانقاد پارلمان داده و مقرر فرمودیم که یک عده از اشخاص عالم مشروطه خواه و طرف اطمینان دولت و ملت باشند بمجلس شورای مملکتی ملحق گردیده و نظام نامه انتخابات را بطیار حاضر نموده و منتشر دارند و بعضی اشخاص نظامنامه انتخابات شروع با انتخاب شده و همین که دولت متعین حاضر شدند مجلس شورای ملی در بهارستان افتتاح خواهد شد تاریخ ۱۸ شهر ربیع الثانی محاقوی شیل ۱۳۲۷ مطابق ۱۹ برج ثور ذرفسر سلطنتی باغ ششاه سال سیتم سلطنت ما مقرر شد

محمد علی شاه قاجار

بتمامی حیزات قلمداد نمایند و کسان رسمی دول خارجی

اعلام میشود

مصل ۲۴ و ۲۵ از قانون اساسی دولت علیه ایران .

(مصل ۲۴) بمن عهدنامه اوتقاول نامه اعطای امتیازات (انحصار) تجارتی

و صنعتی و فلاحی و غیره اعم از اینکه طرف دغدغه باشد یا خارج باید بتصویب مجلس شورای ملی

برسد با استثنای عهدنامه نالی که استثنای آنها صلاح دولت باشد .

(مصل ۲۵) استقراض دولتی به عنوان که باشد خواه از داخله خود یا خارجه با اطلاع و تصویب

مجلس شورای ملی خواهد شد .

بموجب این دو اصل قانون اساسی که در فوق ذکر شد دولت ایران بدون تصویب مجلس شورای ملی

کیزی قبی حق بیکگونه دادن امتیاز و کردن استقراض از داخله و خارجه ندارد این است که بموجب این

دو ماده بنامی نمایندگان دول خارجه اعلام میشود در این موقع که مجلس موقت شورای ملی ایران بطور

انفصال نموده است هرگاه از طرف دولت ایران استقراضی شده و یا امتیازی اعطاکرد دولت ایران

خود را بیج وجه پای بند آن ندانند و جماعه نخواهد بود و بر طبق همین معیار مناسبت است رد و عدم



رضایت خود را اظهار و اعلان نمایند